

تبیین جامعه‌شناختی مناسبات زندگی مشترک زوجین بوسیله الگوهای تربیتی خانواده

اسماعیل پولادی^۱، اسماعیل جهانبخش^۲، اصغر محمدی^۳

چکیده

هدف مطالعه حاضر، تبیین جامعه‌شناختی مناسبات زندگی مشترک زوجین بوسیله الگوهای تربیتی خانواده است. حجم نمونه، ۳۷۰ نفر بود و جهت روش نمونه‌گیری از تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شد که با توجه به نقشه بلوک بندی شهر فراسبند، تعدادی بلوک به روش تصادفی انتخاب و در مرحله بعد، تعدادی از واحدهای مسکونی به روش تصادفی انتخاب و به هر یک از زوجین پرسشنامه ارائه گردید. روش پژوهش پیمایش بوده و داده‌ها از طریق پرسش نامه گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS نشان داد رابطه معنی دار و مستقیمی بین متغیرهای مستقل، الگوهای انسانی (شامل پدر و مادر زوجین) ($F=0/305$)، تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین ($F=0/120$)، الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی ($F=0/241$) و الگوهای رسانه‌ای (تلویزیون و فضای مجازی) ($F=0/264$)، با متغیر وابسته مناسبات زندگی مشترک زوجین وجود دارد. بررسی رگرسیون چندگانه هم نشان داد متغیرهای مستقل پژوهش ۴۱/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته مناسبات زندگی مشترک زوجین را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: تربیت خانوادگی زوجین، صمیمیت زوجین، تأثیرپذیری مذهبی، سبک تربیت زوجین در کودکی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۹/۲۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، گروه علوم اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
espoolady@gmail.com

^۲ استاد یار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول).
esjahan@yahoo.com

^۳ استاد یار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
Asghar.mo.de@gmail.com

مقدمه

خانواده اولین و مهمترین نهاد در تاریخ و تمدن انسانی است که افراد بشری در آن با شیوه‌های زندگی و تفاهم و سازگاری با دیگران آشنا می‌گردند. خانواده مناسب‌ترین بستر فعلیت یافتن قابلیت‌ها و استعدادها و توانایی‌های انسانی است و بخش‌های عظیمی از ابعاد شخصیت افراد همچون رفتارهای اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تحمل و بردباری در برابر دیگران و واکنش‌های عاطفی در آن شکل می‌گیرد. خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنان، خانواده را تکمیل می‌کند (کاسلو، ۲۰۰۱: ۲۵). و در تعریفی دیگر خانواده گروهی از افرادی می‌باشد که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۵۲). عواملی همچون نقش الگوهای انسانی، رسانه‌ای، شیوه‌های سبک تربیتی زوجین در کودکی و تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین در خانواده وجود دارد که همگی آنها در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین تأثیر گذار می‌باشد. به همین دلیل خانواده به عنوان اولین نماینده جامعه که فرد سالهای اولیه عمر خود را در آن می‌گذرانند، وظیفه دارد که نوزاد وابسته، فاقد فرهنگ و لذت جو را به موجودی خودباور، با فرهنگ و مسئولیت‌پذیر تبدیل کند (هالپرن، ۲۰۱۲: ۵۱). محیط خانواده در تربیت و چگونگی رفتارهای هر شخص، نقش مهمی را ایفا نموده که در حساس‌ترین مدرسه دنیا یعنی خانواده برای انسان سازی خدمت می‌کنند (بهبهانی، ۱۳۹۰: ۸۴).

ژان دی لامارک^۱، خانواده را مهمترین کانونی می‌داند که هر یک از زوجین از آن تغذیه می‌کنند و بدین ترتیب زوجین با تأثیری که از نهادهای اجتماعی و خانواده خود دریافت کرده‌اند زندگی مشترک خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند (خادمی، ۱۳۹۲: ۴۷). بنابراین هر یک از زوجین، خانواده را به عنوان الگویی محسوب می‌کنند که هم اثر مثبت و هم اثر منفی بر ساختار شخصیتی آنان می‌گذارد و این الگوپذیری و تقلید زوجین از خانواده امری انتخابی نیست بلکه هر کدام از آنان به صورت طبیعی به سوی آن قدم برمی‌دارند. خانواده سیستم ارتباطی منحصر بفردی است که با روابط دوستی و کاری متفاوت است. ورود به چنین سیستم ارتباطی سازمان یافته‌ای، صرفاً از

^۱ - Jan de lamarck

طریق تولد، ازدواج و یا فرزند خواندگی صورت می‌گیرد (گلادینگ، ۱۳۸۶: ۷۹). ارزش اصلی خانواده، حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن بوجود آمده است (گلدنبرگ، ۱۳۹۲: ۱۴۵). در داخل چنین سیستمی، افراد بوسیله حلقه‌های عاطفی قدرتمند، بادوام و متقابل به یکدیگر گره خورده‌اند. (مدیری، ۱۳۹۵: ۲۹).

بر همین اساس نظریه پردازان خانواده به اهمیت پیوند صمیمانه میان همسران تأکید می‌کنند و آن را برای ایجاد هویت خانوادگی مطمئن لازم می‌دانند و صمیمیت را کلید داشتن ازدواجی موفق و منبع مهم شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی به شمار می‌آورند (پلیج، ۲۰۰۵: ۲۱۵). بنابراین با توجه به دسته بندی چهارگانه الگوهای مؤثر در تربیت خانوادگی زوجین شامل الگوهای انسانی (پدر، مادر)، الگوی رسانه ای (تلوزیون، فضای مجازی)، الگوی سبک تربیتی زوجین در کودکی (الگوی سلطه گرایانه، الگوی سهل گیرانه و الگوی سبک اقتدار منطقی) و تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین (تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر و مادر) و رابطه آن با مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین، سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که کدام یک از این الگوها بیشترین تأثیر را در تربیت زوجین دارد. لذا این پژوهش تلاشی است جهت بررسی علمی با رویکردی جامعه‌شناختی در مورد نقش و تأثیر الگوهای تربیتی خانواده بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین می‌باشد.

انسان در خانواده به دنیا می‌آید و اولین تعاملات خود را با محیط آغاز می‌کند. در این کانون اولیه تأثیر و تأثرات متقابل آغاز می‌شود و انسان کم کم در فرایند رشد و اجتماعی شدن قرار می‌گیرد. خانواده در عین حال که کوچکترین واحد اجتماعی است، مبنای پایه هر اجتماع بزرگ نیز می‌باشد. بنابراین در صورتی که خانواده به کارکردهای اساسی خود آشنایی نداشته باشد و نتواند عملکرد تربیتی خود را به نحو احسن انجام دهد باعث مشکلات بسیاری می‌گردد که از جمله مهم ترین آنها تأثیرات نامطلوب بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک افراد در آینده می‌گردد، زیرا هر یک از زوجین تربیت یافته در محیط خانواده می‌باشند که از آنجا وارد زندگی مشترک زناشویی می‌شوند.

بنابراین خانواده با دارا بودن پیشینه ای به قدمت آفرینش، قدیمی ترین نهاد و واحد بنیادین اجتماع است که زندگی اجتماعی از آن آغاز می‌شود و اصلی ترین کانون آرامش، تعادل و شکل گیری شخصیت زوجین و یکی از مهم ترین کانون‌های تأثیر گذار بر مناسبات و رفتارهای زندگی

مشترک زوجین می‌باشد. و با توجه به اینکه همه دانشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان، نقش خانواده را بیش از هر عامل دیگری در تربیت زوجین مؤثر می‌دانند، هر چند که عوامل دیگری همچون مدرسه، گروه‌های همسالان، رسانه‌های جمعی و ... بی‌تأثیر نیستند، اما در واقع این محیط خانواده است که شخصیت هر یک از زوجین در آن فرآیند جامعه‌پذیری را می‌آموزد و شخصیت هر یک از زوجین در آغوش تربیت خانوادگی رشد و شکل می‌گیرد. زوجین، خانواده را به عنوان الگویی محسوب می‌کنند که هم اثر مثبت و هم اثر منفی بر ساختار شخصیتی آنان می‌گذارد و این الگوپذیری و تقلید زوجین از خانواده امری انتخابی نیست بلکه آنان به صورت طبیعی به سوی آن قدم برمی‌دارند. به همین دلایل: اولاً: اهمیت پرداختن به الگوهای تربیتی خانواده می‌تواند به عنوان یکی از رکن‌های بنیادین اجتماع بشری در پویایی و انسجام زندگی مشترک زوجین متمرکز باشد. دوماً: با توجه به نقش خانواده در اجتماعی شدن فرزندان، شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد، اهمیت بررسی تأثیرگذاری آن بر مناسبات و رفتارهای زوجین ضروری به نظر می‌رسد. سوماً: زوجین بر صمیمیت بیشتر در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک خود به الگوها و ارزش‌هایی نیاز دارند که بسیاری از این الگوها و ارزش‌ها در دوران کودکی تا نوجوانی بر ساختار شخصیتی آنان تأثیرگذاری خود را داشته است که در این پژوهش میزان تأثیرگذاری این الگوها و مؤلفه‌ها بررسی می‌گردد.

لذا خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیری و کهن‌ترین هسته طبیعی، در همه جوامع انسانی وجود داشته و بشر تا کنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد و این موضوع حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و اهمیت وجودی آن را نشان می‌دهد. بنابراین اهمیت خانواده بسیاری از اندیشمندان را بر آن داشته که در حوزه‌های گوناگون و با رویکردهای متفاوت همچون الگوی تربیتی خانواده به تحقیق و بررسی در این موضوع پرداختند. از آنجا که خانواده از جنبه‌ها و ابعاد مختلفی در شکل‌گیری تربیت خانوادگی هر یک از زوجین نقش دارد و همچنین تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، موضوع خانواده را به صورت کلی و وسیع بررسی کرده و هیچ کدام از پژوهش‌های صورت گرفته به صورت جزئی‌تر، نقش الگوهای تربیتی خانواده با مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین را بررسی نکرده‌اند، نیاز به چنین تحقیقی ضروری به نظر می‌رسد. شهرستان فراه‌سند ویژگی‌های خاص خود را دارد زیرا از ترکیب خرده فرهنگ‌های فارس و ترک که از عشایر قشقایی و بسیاری از آنان کوچ‌نشین می‌باشند تشکیل شده است و

همچنین تغییرات اساسی در ساختار نهادها و سازمان‌ها از جمله خانواده‌ها و تغییر سبک زندگی و تغییر در نگرش‌های کلی جامعه، تبیین جامعه‌شناختی الگوهای تربیتی خانواده بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین در این شهر از اهمیت برخوردار است و از آنجا که خانواده از جنبه‌ها و ابعاد مختلفی در شکل‌گیری تربیتی خانواده زوجین نقش دارد و همچنین تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، موضوع خانواده را به صورت کلی و وسیع بررسی کرده و هیچ کدام از پژوهش‌های صورت گرفته به صورت جزئی‌تر، نقش الگوهای تربیتی خانواده با مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین را بررسی نکرده‌اند، نیاز به چنین تحقیقی ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به اینکه تحقیقی با موضوع تبیین جامعه‌شناختی مناسبات زندگی مشترک زوجین بوسیله الگوهای تربیتی خانواده پرداخته باشد ملاحظه نگردید، لیکن سایر پژوهش‌هایی که به بخشی از موضوع این تحقیق پرداخته یا به موضوع این تحقیق نزدیک هستند به شرح زیر اشاره می‌شود:

بیژن زارع و هاجر صفیاری (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان رضایت از زندگی زناشویی با میزان عشق و علاقه، طول مدت زندگی زناشویی، اختلافات سنی زوجین، پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان تحصیلات زوجین رابطه معنادار وجود دارد. یونس نوربخش (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان دینداری و الگوی تربیتی خانواده نشان داد که نحوه تعامل والدین با فرزندان می‌تواند بر رفتار و شکل‌گیری شخصیت آنان تأثیر بگذارد. اسفندیار آزاد مرزآبادی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان به این نتایج دست یافت که بین نظام ارزشی نوجوانان و ارزش‌های خانوادگی ارتباط معناداری وجود دارد. زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) در پژوهشی عوامل مرتبط با ناسازگاری و زمینه ساز طلاق در زوجین را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که مهمترین علل تقاضای طلاق شامل مشکلات ارتباطی، اعتیاد و دخالت خانواده‌ها بود. لایلا صادق مقدم (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار و همسران آنها نشان داد که بین رضایت مندی از زندگی زناشویی و وجوه مختلف آن و در زنان شاغل و زنان خانه دار و همسران آنها ارتباط وجود دارد. سید عالی نسب (۱۳۸۲) در پژوهش خود با عنوان بررسی علل اختلافات خانوادگی نشان داد که باورهای ضعیف دینی منجر به اختلاف خانوادگی می‌شود و کمبود محبت

بین زن و شوهر و عدم تطبیق با شرایط باعث اختلاف خانوادگی می‌شود. فرانک و بیوهرلر (۲۰۰۷) هم در پژوهشی نشان دادند که خصومت‌های زناشویی با مشکلات رفتاری برونی شده ارتباط دارد. ریچموند و استوکر (۲۰۰۶) هم در پژوهش خود نشان دادند که انسجام خانوادگی که یکی از فرایندهای خانوادگی است با مشکلات رفتاری برونی شده ارتباط منفی دارد. لوکیا و برسلاتو (۲۰۰۶) هم در پژوهش خود بر ارتباط بین انسجام خانوادگی و مشکلات درونی شده و مشکلات توجه به فرزندان تأکید نمودند. با بررسی تحقیقات پیشین به نظر می‌رسد بررسی جامعی از اتصال نظری بین نظریه پرداز اجتماعی از الگوهای تربیتی خانواده و تأثیر آن بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین که ارتباط مستقیمی با موضوع این تحقیق داشته باشد انجام نشده است. اما در این تحقیق به شکل جامع تری به بررسی تبیین جامعه‌شناختی الگوهای تربیتی خانواده همچون الگوهای انسانی (پدر، مادر)، الگوی رسانه ای (تلوزیون، فضای مجازی)، الگوی سبک تربیتی زوجین در کودکی (الگوی سلطه‌گرایانه، الگوی سهل‌گیرانه و الگوی سبک اقتدار منطقی) و تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین (تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر و مادر) و تأثیر آن در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین صورت گرفته است که آن را از سایر تحقیقات پیشین متمایز می‌سازد.

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده در مبانی نظری و مطالعات مقدماتی پژوهش در الگوهای تربیتی خانواده، برای تدوین چارچوب نظری تحقیق از نظریه‌های مکتب فرانکفورت (سگالن، ۱۳۷۵)، کارکردگرایی ساختاری پارسونز (گود، ۱۹۹۵)، شیوه‌های سبک تربیتی زوجین در کودکی بامریند (علیزاده، ۱۳۹۲)، جهت‌گیری مذهبی آلپورت (عباسی، ۱۳۹۵)، نظریه ماریچ سکوت لئومان (سورین و تانکاد، ۱۳۹۱) و نظریه کاشت گرینر (رضوی زاده، ۱۳۹۴) استفاده شده است. یکی از مباحث مطرح در نظریه‌های جامعه‌شناسی که با مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین در ارتباط است، کارکردگرایی ساختاری و دیدگاه نهادی است. در این دیدگاه خانواده به عنوان نظامی در نظر گرفته می‌شود که ورودی، خروجی و فرایندهایی دارد (اعزازی، ۱۳۸۶: ۸۷). از نظر شلسکی^۱ هر گونه اصلاح در شخص باید از خانواده آغاز گردد، زیرا در روند تکامل بخشیدن به نظام و مناسبات پابرجای جامعه، خانواده پیشتاز است. نظریه کارکردگرایی که متأثر از

^۱ -Shelesky

تفکرات پارسونز^۱ شکل گرفت، بر نقش و اهمیت خانواده در جامعه پذیری افراد تأکید دارد و با توجه به نقش انکارناپذیر پدر و مادر در شکل‌گیری شخصیت افراد و نوع الگوهای تربیتی ارائه شده از والدین می‌تواند در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک هر یک از زوجین تأثیرگذار باشد (گود، ۱۹۹۵: ۷۵۴).

در الگوی شیوه‌های سبک تربیتی بامریند هم سه الگو ارائه می‌گردد: الگوی اول، سبک خانواده سلطه‌گرایانه است که در این الگو والدین مایل نیستند رفتارهای استقلال‌طلبانه فرزندان را تشویق کنند. والدین از فرزندان خود انتظار اطاعت داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی فرزندان خود را تنبیه می‌کنند (علیزاده، ۱۳۹۲: ۵۴). در این روش، نسلی خشمگین، نگران، مضطرب، ترسو، افسرده و سرشار از احساس گناه و مبتلا به انواع آسیب‌های اجتماعی پرورش می‌یابد (باقرپور، ۱۳۹۳: ۶۵). در الگوی دوم (سبک سهل‌گیرانه) که در آن والدین هیچگونه کنترلی روی فرزندان خود ندارند. این والدین نسبت به رفتار کودک، گرم و پذیرا هستند و از حداقل تنبیه استفاده می‌کنند (دهقانی، ۱۳۹۵: ۸۴). والدین این گروه اطلاعات کمی در زمینه‌های مختلف از فرزندانشان دارند. آزادی عمل، بی‌احترامی به والدین، خودتربیتی، بی‌بند و باری، لابلالی‌گری، سهل‌انگاری و خودخواهی از خصوصیات این نوع فرزندان است (فتحی، ۱۳۹۴: ۷۴). در الگوی سوم (سبک اقتدار منطقی)، والدین فرزندانشان را بوسیله کلامی و جسمانی حمایت می‌کنند. این والدین از فرزندانشان با محبت و روابط نزدیک مراقبت می‌کنند و انتظاراتشان با توانایی‌های فرزندانشان تناسب دارد. در این الگو محبت در کنار قاطعیت اعمال می‌شود. فرزندان در چنین خانواده‌هایی از اعتماد به نفس و استقلال بالا برخوردار بوده و رفتار مثبت و غیرهیجانی دارند (دهقانی، ۱۳۹۵: ۶۸). بنابراین با توجه به مباحث ارائه شده در سه الگوی بامریند و نوع فرزند پروری پدر و مادر و اینکه کدام الگو را برای تربیت فرزندان خود در خانواده به کار ببرند، در شکل‌گیری شخصیت این فرزندان و رابطه آن با مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین تأثیر خواهد داشت.

آلپورت^۲ یکی از نظریه پردازان در زمینه مذهب و کارکردهای آن می‌باشد. وی دو نوع جهت‌گیری نسبت به دین را مطرح نمود. جهت‌گیری درونی و جهت‌گیری بیرونی مذهبی. به نظر آلپورت، شخصی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارد با مذهبش زندگی می‌کند اما شخصی که

^۱ -Parsons

^۲ -Allport

جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارد، از مذهبش استفاده می‌کند. اشخاصی که جهت‌گیری درونی دارند، انگیزه‌های اصلی خود را در مذهب می‌یابند. چنین اشخاصی شخصیت‌شان با مذهب‌شان یکی می‌شود. در حالی که افراد با جهت‌گیری بیرونی برای رسیدن به اهدافی دیگر به سمت مذهب می‌روند، به عبارت دیگر چنین اشخاصی به سمت خداوند می‌روند بدون اینکه از خود روی بگردانند. براساس نظریه آلپورت مذهب درونی، مذهبی‌فراگیر و دارای اصول سازمان‌یافته و درونی شده است، درحالی‌که مذهب برونی، خارجی و ابزاری است که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. منظور آلپورت از جهت‌گیری مذهبی درونی عبارت است از تعهد انگیزش فراگیر که غایت و هدف است نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی (عباسی، ۱۳۹۵: ۹۸).

در نظریه ماریچ سکوت بر اهمیت تأثیرگذاری رسانه‌ها در شکل‌گیری شخصیت افراد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظریه ماریچ سکوت که توسط لئومان^۱ مطرح گردیده بیان می‌دارد که رسانه‌های جمعی بر افکار شخص اثر قوی دارند. بنابراین در این نظریه رسانه‌ها در حکم متغیر مستقلی قرار می‌گیرند که متغیر وابسته آنها یعنی افکار اشخاص در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل رسانه‌هایی که دارای همصدایی هستند، نظرات و ایده‌های خود را به صورتی ارائه می‌دهند که افراد جامعه قالب فکری آنان همسو با محتوای تولید شده توسط رسانه شکل گرفته و این قالب فکری شکل گرفته توسط رسانه‌ها در زندگی مشترک زوجین می‌تواند تأثیرگذار باشد. میزان تأثیرپذیری افراد از رسانه‌ها و اینکه از کدام نوع از این رسانه‌ها استفاده می‌کنند بستگی دارد. استفاده هر یک از زوجین از تلوزیون و فضای مجازی و نوع محتوای تولید شده توسط این رسانه‌ها و میزان تأثیرپذیری زوجین از آن در شکل‌گیری مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک بین آنان تأثیرگذار می‌باشد (سورین و تانکاد، ۱۳۹۱: ۷۲۵).

گرینر^۲ از تنورسین‌های اصلی نظریه کاشت هم معتقد است که: رسانه‌ها در بلندمدت موجب تأثیرگذاری در جهان بینی و نظام ارزشی مصرف‌کنندگان از محتوای تولید شده توسط این رسانه‌ها می‌شوند و با توجه به تکرار محتواهای کیفی تولید شده توسط رسانه‌ها که با ذهن و روح و روان زوجین تلفیق گردیده و مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین تحت تأثیر میزان

^۱ -Leoman

^۲ -Grebmer

تأثیرپذیری از این رسانه‌ها خواهد بود (رضوی زاده ۱۳۹۴: ۴۵). هورکهایمر^۱ از اندیشمندان مکتب فرانکفورت خانواده را به عنوان یکی از مهمترین عناصری که از بازتولید و شخصیت انسان‌ها مراقب می‌کند نام می‌برد (سگالن، ۱۳۷۵: ۵۲). به عقیده هورکهایمر، الگوهای تربیتی افراد در خانواده شکل می‌گیرد و این الگوهای تربیتی در مناسبات و رفتارهای زندگی زوجین تأثیرگذاری خود را نشان می‌دهد (سگالن، ۱۳۷۵: ۸۷). بر اساس سؤالات مطرح شده و مبانی نظری مرور شده، فرضیه‌های تحقیق بشرح ذیل تعریف می‌شوند. الف- الگوهای انسانی (شامل پدر و مادر زوجین) تبیین کننده مناسبات زندگی مشترک آنان است. ب- الگوهای رسانه‌ای (تلوزیون و فضای مجازی) تبیین کننده مناسبات زندگی مشترک زوجین است. پ- الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی تبیین کننده مناسبات زندگی مشترک آنان است. ت. تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین تبیین کننده مناسبات زندگی مشترک آنان است.

روش‌شناسی

این پژوهش به روش پیمایشی انجام و داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زوجین شهرستان فراشبند که تعداد آنان ۱۰۶۹۲ نفر می‌باشد. جهت روش نمونه‌گیری از تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شد که با توجه به نقشه بلوک بندی شهر فراشبند، تعدادی بلوک به روش تصادفی انتخاب و در مرحله بعد، تعدادی از واحدهای مسکونی به روش تصادفی انتخاب و به هر یک از زوجین پرسشنامه ارائه گردید. حجم نمونه تحقیق با استفاده از نرم افزار spss sample power، برای چهار متغیر مستقل، توان آزمون ۸۰ درصد، سطح اطمینان ۹۵ درصد تا ۹۹ درصد و حجم اثر قابل تشخیص ده صدم با گام ۰/۰۵، جامعه آماری ۱۰۶۹۲ نفر با آلفای ۰/۰۵، حجم نمونه با حداقل ۱۰ درصد ضریب تعیین با گام ۱۰ نفر، ۳۷۰ نفر برآورد شده است که در هر خانواده زوجین به صورت جداگانه پرسشنامه را تکمیل نمودند.

جدول شماره ۱- برآورد حجم نمونه با استفاده از نرم افزار spss sample power

آلفا ↓	N →	۲۵۰	۲۶۰	۲۷۰	۲۸۰	۲۹۰	۳۰۰	۳۱۰	۳۲۰	۳۳۰	۳۴۰	۳۵۰	۳۶۰	۳۷۰	۳۸۰
۰/۱	۰/۹۶۸	۰/۹۶۸	۰/۹۷۵	۰/۹۸۰	۰/۹۸۴	۰/۹۸۸	۰/۹۹۰	۰/۹۹۲	۰/۹۹۴	۰/۹۹۵	۰/۹۹۶	۰/۹۹۷	۰/۹۹۸	۰/۹۹۸	۰/۹۹۸
۰/۳	۰/۹۸۴	۰/۹۸۸	۰/۹۹۱	۰/۹۹۳	۰/۹۹۵	۰/۹۹۶	۰/۹۹۷	۰/۹۹۸	۰/۹۹۸	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	۱/۰۰۰
۰/۵	۰/۹۹۱	۰/۹۹۳	۰/۹۹۵	۰/۹۹۶	۰/۹۹۷	۰/۹۹۸	۰/۹۹۸	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

جدول شماره ۱ برآورد حجم نمونه با استفاده از نرم افزار spss sample power را نشان می‌دهد. با توجه به جدول فوق، آلفا در سه سطح یک صدم، سه صدم و پنج صدم در نظر گرفته شده است

^۱Horkheimer

که حجم نمونه ۳۷۰ در سطح پنج صدم با توان آزمون ۰/۱/۰۰۰ برای این تحقیق در نظر گرفته شد. متغیر وابسته تحقیق حاضر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین می‌باشد. خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج، تولید مثل و پرورش فرزندان با هم زندگی می‌کنند. این سیستم و سازمان اجتماعی در طول تاریخ، نقش حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا کرده است (بکفورد، ۱۳۸۸: ۳۸). برای سنجش مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین از پرسشنامه مقیاس صمیمیت زوجین که یک ابزار ۱۷ سؤالی می‌باشد و توسط واکر و تامپسون (۱۹۸۳) تدوین شده است، استفاده گردید. نمره آزمودنی از طریق حجم نمرات سؤالات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود. دامنه نمرات بین ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) است که نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر زوجین است. پایایی این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ بدست آمده است که از همسانی درونی مناسب برخوردار است. این مقیاس توسط ثنائی (۱۳۷۹) ترجمه شده و ضریب پایایی این پرسشنامه در پژوهش دغاغله (۱۳۹۱) ۰/۹۶ به دست آمد. نعیم (۱۳۸۷) نیز برای تعیین پایایی مقیاس مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین از روش آلفای کرونباخ استفاده کرد که برابر ۰/۹۶ است و بیانگر پایایی مطلوب این مقیاس است (دغاغله، ۱۳۹۱). رشیدزاده (۱۳۹۰) و شیرالی نیا (۱۳۹۱) در پژوهش‌های خود، روایی آن را تأیید نموده‌اند. متغیرهای مستقل عبارتند از:

الف- تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین: مذهب کاربردهای مختلفی در ساختاردهی به شخصیت هر فرد دارد و باورهای مذهبی حاکم در محیط خانوادگی هر فرد تأثیر بسزایی در شکل‌گیری شخصیت آن فرد خواهد داشت که شکل‌گیری شخصیت در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین نمایان‌گشته و تأثیر خود را علنی می‌سازد. بنابراین جهت‌گیری مذهبی روی آوری کلی افراد می‌باشد که از مذهب اتخاذ کرده‌اند و در ارتباط با موجودی متعالی مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و تشریفات خاص را در زندگی در بر دارد (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۲۶). در این پژوهش مذهب هم در کنار سایر عوامل و متغیرهای متعددی که به عنوان الگوهای تربیتی در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین مؤثر می‌باشد، مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. برای سنجش میزان تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین از پرسشنامه گرنکوئیست (۱۹۹۸)، استفاده شده است. گرنکوئیست با این پرسشنامه سطح تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین به شکلی که در دوران کودکی تجربه کرده و به خاطر می‌آورند، بر اساس

مقیاسی ۱۴ ماده ای ارزیابی کرد. مقیاس فوق شامل عباراتی از جمله میزان دعا خواندن والدین، مطالعه کتاب‌های مذهبی، شرکت در مراسم دینی، اهمیت عقاید مذهبی برای والدین و... می‌باشد. گرنکوئیست همسانی درونی این آزمون را از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای هر والد ۷ ماده ۰/۹۲ به دست آورد. در پژوهش حاضر پاسخگویان میزان تأثیرپذیری مذهبی از والدین خود را با ارزیابی هر یک از جملات در یک مقیاس ۵ درجه ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف تعیین می‌کنند.

ب- الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی: بامرایند با ارائه الگوهای سبک تربیتی معتقد است که فرزندان باید شایستگی‌های متعدد اجتماعی و شناختی را کسب نموده و فرصت‌های یادگیری و انگیزشی مناسب را جهت حمایت والدین از خود کسب نمایند. بامرایند معتقد است که شیوه‌های فرزند پروری از دو بعد: درخواست‌کنندگی والدین (کنترل) و پاسخ‌دهندگی والدین (گرمی یا پذیرش) تشکیل شده است. در مدل والدینی مقتدرانه بامرایند، پاسخگویی والدینی و خواست‌های والدینی کم و بیش مستقل از یکدیگر محسوب می‌شوند. اهمیت کار بامرایند این است که در الگوهای ارائه شده از سوی سه الگوی خانواده سلطه‌گرایانه، که در این خانواده‌ها سطح پایینی از صمیمیت و سطح بالایی از انضباط سخت‌گیرانه برای فرزندان اعمال می‌گردد. در الگوی خانواده سهل‌گیرانه نسبت به فرزندان رفتاری گرم و پذیرا و حداقل تنبیه اعمال می‌گردد و در الگوی خانواده اقتدار منطقی، محبت در کنار قاطعیت اعمال می‌گردد. برای سنجش الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی از پرسشنامه سبک تربیتی بامرایند (۱۹۷۱) استفاده گردید. در این پرسشنامه پاسخگو نظر خود را بر حسب مقیاس ۵ درجه ای لیکرت مشخص می‌نماید و دامنه نمرات بین ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) می‌باشد. بامرایند میزان پایایی این پرسشنامه را برای الگوی سهل‌گیرانه ۰/۸۱، الگوی سلطه‌گرایانه ۰/۸۵ و الگوی اقتدار منطقی را ۰/۹۲ گزارش نمود. اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی این پرسشنامه را ترجمه کرده است و در تحقیق خود پایایی الگوی سهل‌گیرانه را ۰/۶۹، سلطه‌گرایانه، ۰/۷۷ و الگوی اقتدار منطقی را ۰/۷۳ گزارش نمود و روایی صوری آن را تأیید نموده است (باقرپور، ۱۳۹۳: ۲۱).

پ- الگوهای انسانی و رسانه‌ای: الگوهای انسانی مؤثر در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین شامل نقش الگوهای تربیتی پدر و مادر، می‌باشد که در این پژوهش نقش هر کدام از این عوامل و تأثیر آن بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین مورد سنجش و

بررسی قرار گرفته است. هر کدام از زوجین در مراحل از زندگی خود تحت تأثیر این الگوهای انسانی تربیتی قرار گرفته‌اند، و هر کدام از زوجین از این الگوهای تربیتی یعنی پدر و مادر تأثیرپذیری داشته، که این تأثیرپذیری از الگوهای تربیتی آثار خود را در زندگی مشترک زوجین نمایان می‌سازد. الگوی رسانه‌ای مؤثر در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین هم شامل میزان تأثیرپذیری زوجین از تلویزیون و فضای مجازی می‌باشد. بنابراین با توجه به اینکه برای شناخت و معرفت بیشتر درباره یک موضوع بهترین و اولین مرحله تعریفی جامع از موضوع است و از این رو در مقوله رسانه‌ها ابتدا به تعریف رسانه می‌پردازیم. منظور از رسانه آن دسته از وسایل هستند که مورد توجه تعدادی کثیری می‌باشند و از تمدن‌های جدید به وجود آمده‌اند. رسانه‌ها امری فراگیرند که می‌توانند یک کلاس درس بی‌دیوار با میلیاردها مستمع تشکیل دهند. استوارت هال جامعه را بصورت مدار بسته‌ای تعریف می‌کند که رسانه‌های جمعی به عنوان شاهره در فرایند هویت بخشی در جامعه نقش پیدا می‌کنند. رسانه‌ها با خصوصیات منحصر به فردی که دارند می‌توانند اولویت‌های فکری افراد خانواده را مشخص و هدایت نمایند. رابرت مرتون معتقد است که رسانه‌ها در درازمدت ساختار ارزشی افراد را شکل می‌دهند و این شکل دهی ساختار ارزشی افراد در زندگی مشترک زوجین تأثیرات خود را نمایان می‌سازد. الگوی رسانه‌ای در این پژوهش تلویزیون می‌باشد، که زوجین به میزان تأثیرپذیری که از این رسانه داشته‌اند، در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک آنان تبلور می‌یابد. برای ساختن پرسشنامه‌های محقق ساخته، سازه الگوهای انسانی تربیت خانواده شامل (پدر، مادر) و همچنین الگوی رسانه‌ای شامل (تلویزیون، فضای مجازی) تعدادی سؤال برای سنجش آن طرح و در نهایت سؤالات مربوط به آن با یکدیگر ترکیب گردید. طیف پاسخگویی به این سؤالات بر حسب مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت بوده و شیوه نمره گذاری در پاسخگویی به سؤالات به صورت کاملاً موافق نمره ۵، تقریباً موافق نمره ۴، حد وسط نمره ۳، تقریباً مخالف نمره ۲ و کاملاً مخالف نمره ۱ می‌باشد. برای تعیین روایی پرسشنامه از نظر چند تن از اساتید جامعه‌شناسی استفاده شد و نکات اصلاحی آنها در پرسشنامه لحاظ گردید. پایایی پرسشنامه‌های محقق ساخته در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول شماره ۲- قابلیت اعتماد هر کدام از سازه‌های پرسشنامه الگوهای انسانی و رسانه‌ای تربیت خانواده

سازه (متغیر)	تعداد ضریب	ضریب
	گویه	آلفا
الگوهای انسانی	۱۰	۰/۷۱۹
الگوهای رسانه‌ای	۱۰	۰/۸۲۸

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های توصیفی: توصیف ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان:

جدول شماره ۳- توزیع و درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت، تحصیلات، شغل و سن

متغیر	تحصیلات				
	زن	مرد	بیسواد	ابتدایی	دیپلم
فراوانی	۱۸۵	۱۸۵	۰	۲۲ نفر	۱۴۷ نفر
درصد فراوانی	۵۰ درصد	۵۰ درصد	۰	۵/۹ درصد	۳۹/۸ درصد
متغیر	شغل		سن		
	آزاد	دولتی	سایر مشاغل	۲۰ تا ۳۰ سال	۳۱ تا ۴۰ سال
فراوانی	۷۵ نفر	۱۵۱ نفر	۱۴۴ نفر	۱۰۱ نفر	۲۱۰ نفر
درصد فراوانی	۲۰/۳ درصد	۴۰/۸ درصد	۳۸/۹ درصد	۲۷/۴ درصد	۵۶/۶ درصد

در این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی مناسبات زندگی مشترک زوجین بوسیله الگوهای تربیتی خانواده مورد تحقیق قرار گرفته است. محاسبه‌های انجام شده با استفاده از آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که از مجموع ۳۷۰ نفر حجم نمونه، ۱۸۵ نفر (۵۰ درصد) از افراد نمونه دارای جنسیت مرد و ۱۸۵ نفر (۵۰ درصد) نیز دارای جنسیت زن بوده‌اند. همچنین ۱۰۱ نفر از حجم نمونه (۲۷/۴ درصد) بین سنین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۱۰ نفر از حجم نمونه (۵۶/۶) بین سنین ۳۱ تا ۴۰ سال و ۵۹ نفر از حجم نمونه (۱۶ درصد) بین سنین ۴۱ تا ۵۰ سال بوده‌اند. توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات هم نشان داد که تعداد افراد بیسواد صفر نفر، ابتدایی ۲۲ نفر (۵/۹ درصد)، دیپلم ۱۴۷ نفر (۳۹/۸ درصد) و لیسانس و بالاتر هم ۲۰۱ نفر (۵۴/۳ درصد) می‌باشد. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل هم بیانگر این موضوع بود که ۱۵۱ نفر (۴۰/۸ درصد) دارای مشاغل دولتی، ۷۵ نفر (۲۰/۳ درصد) دارای مشاغل آزاد و ۱۴۴ نفر (۳۸/۹ درصد) از پاسخگویان هم دارای سایر مشاغل بوده‌اند.

جدول شماره ۴- شاخص توصیفی مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین

متغیر	شاخص‌ها				
	تعداد	مرکزی	پراکندگی	شکل توزیع	کنشیدگی
مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین	۳۷۰	۴/۷۷	۳/۵۸	۵	۱/۴۷۱
					۰/۲۹۴
					۰/۱۹

با توجه به داده‌های جدول فوق از مجموع ۳۷۰ نفر، میانگین شاخص مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین، در بین پاسخگویان ۴/۷۷ است که از حد وسط (۳) بالاتر است و نشان می‌دهد که مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین در حد بسیار مناسب و مطلوبی می‌باشد و

۲۰.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دوازدهم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

همچنین مقدار چولگی در شاخص مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین منفی می‌باشد که نشان دهنده این است که نمره اغلب زوجین در این بعد بالاتر از میانگین است.

جدول شماره ۵- شاخص توصیفی تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین

متغیر	شاخص‌ها					
	تعداد	مرکزی میانگین	مینیم	ماکزیم	واریانس	پراکندگی
تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین	۳۷۰	۴/۹۲۵	۱/۲۸	۵	۰/۶۶۴	۰/۲۱۷
تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر	۳۷۰	۴/۹۱۷	۱/۵۷	۵	۰/۳۸۲	۰/۲۳
تأثیرپذیری مذهبی زوجین از مادر	۳۷۰	۴/۹۳	۱	۵	۰/۴۰۱	۰/۰۶۲

با توجه به داده‌های جدول فوق از مجموع ۳۷۰ نفر، میانگین شاخص تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین، در بین پاسخگویان ۴/۹۲۵ است که از حد وسط (۳) بالاتر است و نشان می‌دهد که شاخص تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین دارای تأثیرگذاری بالایی در بین پاسخگویان می‌باشد. بنابراین با توجه به میانگین تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر ۴/۹۱۷ و تأثیرپذیری مذهبی زوجین از مادر ۴/۹۳ و همچنین مقدار منفی چولگی در شاخص‌ها که همگی نشان دهنده این است که نمره اغلب افراد در این ابعاد و شاخص‌ها بالاتر از میانگین است.

جدول شماره ۶- شاخص توصیفی الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی

متغیر	شاخص‌ها					
	تعداد	مرکزی میانگین	مینیم	ماکزیم	واریانس	پراکندگی
الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی	۳۷۰	۳/۶۸	۱/۳۳	۵	۷/۷۵۸	۰/۶۵۶
الگوی اقتدار منطقی	۳۷۰	۳/۶۹	۱/۳۳	۵	۲/۶۱۳	۰/۶۵۹
الگوی سهل‌گیرانه	۳۷۰	۳/۶۸	۱/۳۳	۵	۲/۶۲	۰/۶۶
الگوی سلطه‌گرایانه	۳۷۰	۳/۶۸	۱/۳۳	۵	۲/۶۱۱	۰/۶۵۹

با توجه به داده‌های جدول فوق، از مجموع ۳۷۰ نفر، میانگین الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی در بین پاسخگویان ۳/۶۸ است که از حد وسط بالاتر است و نشان می‌دهد که تأثیرگذاری الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک آنان در بین پاسخگویان بالا می‌باشد. میانگین تأثیرگذاری الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی در بعد سهل‌گیرانه (۳/۶۸)، در بعد اقتدار منطقی (۳/۶۹) و در بعد سلطه‌گرایانه ۳/۶۸ می‌باشد که نشان دهنده این موضوع است که در بین شاخص الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی، شاخص سبک اقتدار منطقی از شدت بالایی برخوردار است.

ب- یافته‌های استنباطی:

در این بخش، فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی پیرسون بین الگوهای تربیتی خانواده و صمیمیت زوجین

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معنی داری (sig)
الگوهای انسانی (شامل پدر و مادر زوجین)	۰/۳۰۵	۳۷۰	۰/۰۰۰
الگوهای رسانه‌ای (تلویزیون و فضای مجازی)	۰/۲۶۴	۳۷۰	۰/۰۰۰
تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین	۰/۱۲۰	۳۷۰	۰/۰۲۰
الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی	۰/۲۴۱	۳۷۰	۰/۰۰۰

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} \leq 0/05$)، که بین تأثیرگذاری نقش متغیرهای مستقل در تربیت خانوادگی هر یک از زوجین با مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک آنها رابطه معنی داری مشاهده می‌شود که این رابطه مثبت و مستقیم است. بنابراین فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شود. به این معنا که با افزایش نقش تأثیرگذاری این متغیرها در تربیت خانوادگی هر یک از زوجین میزان رضایت مندی از مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک آنها افزایش می‌یابد.

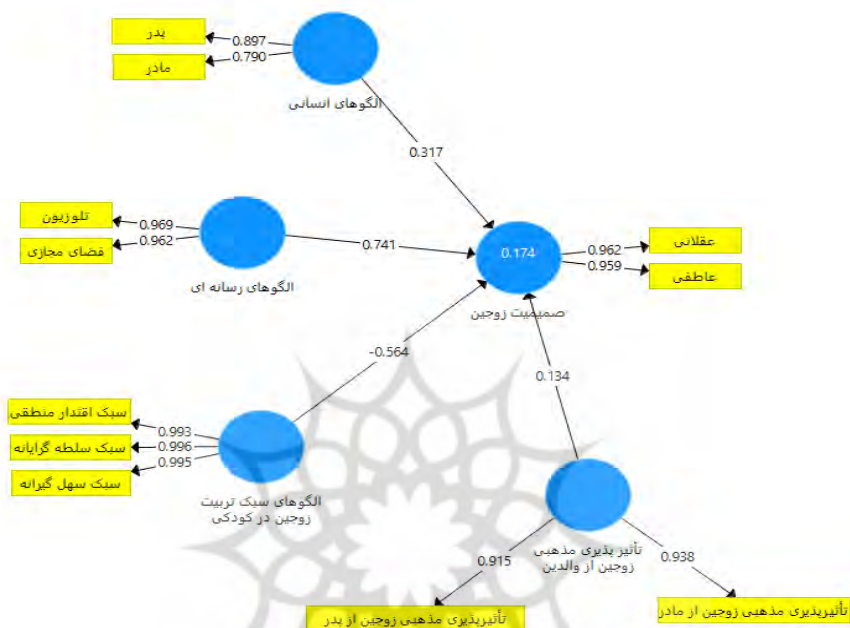
در این قسمت متغیرهای مستقل تحقیق که دارای رابطه معنی داری با متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین می‌باشد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۸- مقدار ضریب همبستگی و ضریب تعیین الگوهای تربیتی خانواده بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک

زوجین				
مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای برآورد انحراف استاندارد
R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the estimate	
۱	۰/۴۱۸	۰/۱۷۴	۰/۱۶۵	۴/۵۶۹

در این قسمت سعی بر آن است که مهمترین عوامل تأثیرگذار بر متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. برای پیش بینی مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین بر اساس متغیر الگوهای تأثیرگذار تربیت خانوادگی از روش تحلیل رگرسیون خطی چند گانه استفاده شده است. با توجه به جدول بالا، مقدار ضریب همبستگی چند گانه الگوهای تأثیرگذار تربیت خانوادگی $0/418$ است که رابطه بین متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین و متغیر الگوهای تأثیرگذار تربیت خانوادگی را نشان می‌دهد.

مدل معادله ساختاری با استفاده از نرم افزار smart pls



در مدل رگرسیونی متغیرهای الگوهای انسانی، رسانه‌ای، الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی و تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین، نقش متغیر مستقل برای صمیمیت و مناسبات زندگی مشترک زوجین به عنوان متغیر وابسته این تحقیق می‌باشند. بنابراین با توجه به ضرایب رگرسیونی ۰/۳۱۷ برای متغیر الگوهای انسانی، ۰/۷۴۱ برای متغیر الگوهای رسانه‌ای، ۰/۵۶۴- برای متغیر سبک تربیتی زوجین در کودکی و ۰/۱۳۴ برای متغیر تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین به عنوان متغیرهای پیش بین دارای همبستگی با متغیر وابسته یا ملاک تحقیق یعنی صمیمیت زوجین می‌باشند. بار عاملی (۰/۸۹۷ الگوی تربیتی پدر)، (۰/۷۹۰ الگوی تربیتی مادر)، (۰/۹۶۹ الگوی تربیتی تلویزیون)، (۰/۹۶۲ فضای مجازی)، (۰/۹۹۳ سبک فرزند پروری اقتدار منطقی)، (۰/۹۹۵ سبک فرزند پروری سهل گیرانه) و (۰/۹۹۶ سبک سلطه گرایانه)، تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر) و (۰/۹۳۸ تأثیرپذیری مذهبی زوجین از مادر)، یک ضریب بتای استاندارد و نشانه همبستگی متغیرهای الگوی تربیتی پدر، مادر به عنوان الگوهای انسانی، تلویزیون و فضای مجازی به عنوان الگوهای رسانه‌ای، سبک الگوی تربیتی اقتدار منطقی، سهل گیرانه و سلطه گرایانه به عنوان

الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی و الگوی تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر و الگوی تأثیرپذیری مذهبی زوجین از مادر به عنوان الگوهای تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین می‌باشد.

همچنین ۱۷/۴ درصد از واریانس متغیر وابسته صمیمیت زوجین، واریانس متغیرهای مستقل تحقیق است. در پارامتر تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق بر صمیمیت زوجین و با توجه به ضریب به دست آمده در Pvalue دارای تفاوت معنادار با صفر می‌باشد و با اطمینان ۰/۹۵ تفاوت ضریب تعیین ۰/۱۷۴ با صفر معنادار می‌باشد و اثر متغیرهای مستقل تحقیق شامل الگوهای انسانی، رسانه ای، تأثیرپذیری مذهبی و سبک تربیتی زوجین در کودکی بر متغیر وابسته صمیمیت زوجین در نمونه آماری یک اثر معنادار می‌باشد. بنابراین نتایج فرضیه‌های تحقیق به ما نشان می‌دهد که فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته صمیمیت زوجین اثر می‌گذارد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۹ اعتبار ممیز در سطح معرف متغیرهای مستقل تحقیق و متغیر وابسته مناسبات زندگي مشترك زوجین

معرف	الگوهای انسانی	صمیمیت زوجین
عقلانی	۰/۳۰۰	۰/۹۶۲
عاطفی	۰/۲۸۷	۰/۹۵۹
پدر	۰/۸۹۷	۰/۲۹۵
مادر	۰/۷۹۰	۰/۲۱۳
معرف	الگوهای رسانه ای	صمیمیت زوجین
عقلانی	۰/۲۴۸	۰/۹۵۸
عاطفی	۰/۲۶۳	۰/۹۵۸
تلویزیون	۰/۹۶۹	۰/۲۶۹
فضای مجازی	۰/۹۶۳	۰/۲۴۵
معرف	الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی	صمیمیت زوجین
عقلانی	۰/۲۲۱	۰/۹۵۷
عاطفی	۰/۲۴۲	۰/۹۶۴
اقتدار منطقی	۰/۹۹۳	۰/۲۴۱
سهل گیرانه	۰/۹۹۵	۰/۲۴۱
سختگیرانه	۰/۹۹۶	۰/۲۴۰
معرف	تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین	صمیمیت زوجین
عقلانی	۰/۱۱۹	۰/۹۶۲
عاطفی	۰/۱۱۳	۰/۹۵۸
تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر	۰/۹۱۵	۰/۱۰۳
تأثیرپذیری مذهبی زوجین از مادر	۰/۹۳۸	۰/۱۲۰

در جدول بالا متغیرهای صمیمیت عقلانی و عاطفی معرف متغیر وابسته صمیمیت زوجین می‌باشند. با توجه به اینکه بار عاملی متغیرهای صمیمیت عقلانی و عاطفی برای متغیر وابسته صمیمیت از بار عاملی صمیمیت عقلانی و عاطفی برای متغیرهای مستقل الگوهای تربیت انسانی (پدر، مادر)، رسانه ای (تلویزیون، فضای مجازی)، الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی (الگوی تربیتی اقتدار منطقی و سهل‌گیرانه و الگوی سلطه‌گرایانه)، و الگوی تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین (تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر و تأثیرپذیری مذهبی زوجین از مادر)، بزرگتر می‌باشد، بنابراین اعتبار ممیز برای صمیمیت عقلانی و عاطفی تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مدل معادله ساختاری به کمک نرم افزار پی ال اس که بر پیشینه سازی واریانس محور تمرکز دارد و در مقایسه با تکنیک‌های مشابه مدل معادله ساختاری همچون لیزرل و ایموس نیاز به شروط کمتری داشته و نسبت به نرمال بودن داده‌ها حساسیتی ندارد. لذا در این پژوهش با توجه به اینکه جامعه آماری زوجین شهرستان فرشبند، تعداد آنان ۱۰۶۹۲ نفر می‌باشد که با استفاده از نرم افزار spss sample power برآورد حجم نمونه ۳۷۰ نفر به دست آمد به منظور بررسی مدل سازی اندازه‌گیری و ساختاری آزمون از روش حداقل مربعات جزئی توسط نرم افزار smart pls استفاده گردید. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که رابطه معنی دار و مستقیمی بین متغیرهای مستقل الگوهای انسانی و رسانه ای و همچنین متغیر سبک تربیتی زوجین در کودکی و متغیر تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین با متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین وجود دارد. فرضیه یک، رابطه نقش الگوهای انسانی (پدر و مادر هر یک از زوجین) در تربیت خانوادگی بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی با متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین دارد، یعنی میزان تأثیرگذاری پدر و مادر به عنوان الگوهای تربیتی هر یک از زوجین، نقشی تأثیرگذار بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک آنان دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات زارع و صفیاری (۱۳۹۴)، دکویک، ویسینک و میچر (۲۰۰۴) همسو است. بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، پارسونز معتقد است که تثبیت شخصیت و میزان صمیمیتی که زوجین به یکدیگر عرضه می‌کنند، از نقش پدر و مادری ناشی می‌شود که در خلال تثبیت شخصیت، پدر و مادر می‌توانند از راه بازی و تعامل با فرزندان خود به دوران کودکی برگردند و به این ترتیب، تنش‌ها را رفع نمایند.

پارسونز بر این باور است که هر خانواده باید دختران را طوری آموزش دهد که مادران و همسران ایده آل و مناسبی شوند، همچنان که جامعه‌پذیری پسران در خانواده باید به گونه‌ای باشد که پدران و شوهران ایده آلی در آینده باشند (آماس، ۲۰۱۲: ۷۴).

فرضیه دو، رابطه نقش الگوهای رسانه‌ای بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی با متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین وجود دارد، یعنی میزان تأثیرگذاری رسانه‌ها به عنوان الگوی تربیتی هر یک از زوجین، نقش تأثیرگذار بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک آنان دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات آزاد مرزآبادی (۱۳۸۷) همسو است. بر اساس نظریه کاشت، رسانه اثرات غیر مستقیم، تدریجی و بلندمدت، اما افزایشی و چشمگیر بر مخاطبان دارد و تأثیری عمیق بر نگرش‌ها، باورها و قضاوت‌های بینندگان می‌گذارد. نظریه کاشت که یکی از اشکال رسانه‌ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی مخاطب از واقعیت شکل دهد. گرنبر معتقد است که تلویزیون به لحاظ عمق و نفوذ قابل ملاحظه‌اش، نیروی فرهنگی قدرتمندی است که افکار و آگاهی‌ها را به انحصار درآورده است (رضوی زاده، ۱۳۹۴: ۶۵).

فرضیه سه، رابطه تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی با متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات مصلحی و احمدی (۱۳۹۰)، حاجی زاده میمنندی (۱۳۸۹)، سعیدی مقدم (۱۳۹۴) و شالن (۱۳۹۳) همسو است. بر اساس نظریه جهت‌گیری مذهبی گوردن آلپورت، دینداری، فلسفه‌ای از زندگی برای فرد ارائه می‌دهد که نه تنها ماهیتی عقلانی دارد، بلکه از لحاظ احساسی هم، ارضا‌کننده است. آلپورت معتقد است که اماکن مذهبی، محل مناسبی برای شکل‌گیری روابط خوب اجتماعی است. نظریه آلپورت در زمینه جهت‌گیری مذهبی به دو مقوله اجتماعی و شخصی بسط یافته و طبق این تقسیم‌بندی افراد دارای جهت‌گیری، از مذهب در جهت نیل به اهداف و فواید اجتماعی و همچنین امنیت و رفاه فردی استفاده می‌کنند (وکیلی، ۱۳۷۶: ۱۵).

فرضیه چهار، رابطه الگوی سبک تربیتی زوجین در کودکی بر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی با متغیر

وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات نوربخش (۱۳۹۲)، همسو است. بر اساس نظریه الگوهای سبک تربیتی بامریند، فرزند پروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری، مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند، ۱۹۷۱: ۵۶). بامریند معتقد است فرزندان باید شایستگی‌های متعدد اجتماعی و شناختی را کسب کنند، بنابراین لازم است والدین فرصت‌های یادگیری مناسب را برای آنان فراهم کنند. بامریند سه الگوی سبک تربیتی ارائه می‌دهد: اول، الگوی سبک سلطه گرایانه، الگوی سبک سهل‌گیرانه و الگوی سبک اقتدار منطقی.

بررسی رگرسیون چندگانه به منظور پیش‌بینی میزان اثرگذاری هر یک از این متغیرها بر متغیر مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین، بیانگر آن بود که مقدار ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل تربیت خانوادگی ۰/۴۱۸ است که رابطه بین متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین و متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می‌دهد. با توجه به متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون و سطح معنی‌داری متغیرهای الگوهای تربیتی خانواده هر یک از زوجین که کمتر از خطای مفروض در پژوهش (۰/۰۵) است، به همین دلیل متغیرهای الگوهای تربیتی خانواده در مدل معنی‌دار است. الگوی سبک تربیتی زوجین در کودکی با ضریب بتای (۰/۶۵۸)، تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین با ضریب بتای (۰/۱۳۴)، الگوی انسانی با ضریب بتای (۰/۳۱۷)، و الگوی رسانه‌ای با ضریب بتای (۰/۸۳۳) پیش‌بین متغیر وابسته مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین هستند.

لذا با توجه به اینکه خانواده از نهادهای مهم و بنیادین جامعه است که نقش اساسی در زندگی افراد دارد و اهمیت آن در حکم نهادی اجتماعی، حیاتی می‌باشد که تأثیرپذیری افراد از الگوهای تربیتی خانواده و نقش آن در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترکشان در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. زوجین انسانی دارای سیستمی زنده و ساختار یافته می‌باشند که ابتدا در محیط خانواده به موجودی اجتماعی تبدیل می‌شوند و در این فرایند پدر و مادر نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت آنها دارند که در تقویت میزان صمیمیت آنان در زندگی مشترکشان در آینده نقش مؤثری دارا می‌باشد. همچنین رابطه معنادار بین الگوهای رسانه‌ای و مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین متأثر از این نکته می‌باشد که استفاده از رسانه‌ها باعث حفظ

انسجام و صمیمیت بیشتری اعضای خانواده می‌گردد. در مورد رابطه معنادار تأثیرپذیری مذهبی زوجین از والدین و اینکه تأثیرپذیری مذهبی زوجین از پدر و مادر تأثیر مستقیم بر عاطفه خانواده دارد و به صورت یک نیروی خاص و تحکیم‌کننده ثبات زندگی افراد به شمار می‌آید و نهایتاً باعث تقویت مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین می‌گردد. رابطه معنادار بین الگوهای سبک تربیتی زوجین در کودکی با مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین نشأت گرفته از این می‌باشد که والدین بر اساس الگوها و آرمان‌های فرهنگی خود فرزندان را به شیوه‌های گوناگونی تربیت می‌کنند که با توجه به نتایج این پژوهش نشان دهنده الگوهای سبک فرزند پروری مبین انتظارات والدین از فرزندان بر اساس تناسب توانایی‌های آنان می‌باشد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸)، مقیاس سنجش دینداری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- آزاد مرزآبادی، اسفندیار (۱۳۸۷) بررسی رابطه نظام ارزش خانواده با ارزش‌های نوجوانان، مجله علوم رفتاری، شماره ۲، ص ۱۲۶.
- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده در دوران معاصر، انتشارات روشنگران و مطالعات اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴) مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روان پزشکی تهران.
- باقرپور، صغری، (۱۳۹۳) رابطه الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی، مجله علوم رفتاری، سال اول، شماره ۱، ص ۳۳.
- بهبهانی، مینا، (۱۳۹۰) بررسی الگوهای ارتباطی خانوادگی در گونه‌های مختلف خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- بکفورد، جیمز آرتور (۱۳۸۸)، دین و جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه فاطمه گلابی.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۸۹) همگامی مشترک در خانواده و دین‌داری جوانان شهر یزد، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳، ص ۲۳.
- خادمی، عین‌اله (۱۳۹۲) بررسی عوامل مؤثر در درونی‌کردن ارزش‌های اسلامی در دانش‌آموزان تهران، انتشارات اداره کل آموزش و پرورش.
- دهقانی، یوسف، (۱۳۹۵) نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در کمروبی دانش‌آموزان دبیرستانی، مجله روان‌شناسی معاصر، دوره دوم، شماره ۲، ص ۲۱.
- دغاغله، فاطمه (۱۳۹۱) رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی، مجله یافته‌های نو در روانشناسی، شماره ۲۴ ص ۵۷.

۲۸..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دوازدهم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

رضوی زاده، نورالدین (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها به سبک زندگی ساکنان تهران پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

رشیدزاده، لیلیا (۱۳۹۰) اثربخشی درمان‌شناختی - رفتاری بر رضایت و صمیمیت زناشویی زوجین جانباز شیمیایی، فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۰.

زارع، بیژن، صفیاری، هاجر، (۱۳۹۴) بررسی رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران، مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان شماره، ۱ ص ۱۱۱.

وکیلی، (۱۳۷۶) بررسی عوامل مؤثر در رضایت مندی زنان از زندگی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

سعیدی مقدم، فاطمه (۱۳۹۴) بررسی رابطه بین ساخت تربیتی و مذهبی خانواده با ارزش‌های اخلاقی نوجوانان تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

سورین، رترو و تانگارد، جیفر (۱۳۹۱)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقانی دانشگاه تهران.

سگالن، مارتین (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه الیاسی، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.

شالن، مارتین (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران نشر مرکز.

شیرالی نیا، خدیجه (۱۳۹۱) اثربخشی زوج درمانی شناختی رفتاری پیشرفته و زوج درمانی متمرکز بر هیجان و کاهش افسردگی، تنظیم هیجانی و صمیمیت ارتباطی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز، پایان‌نامه دکتری تخصصی مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز.

صادق مقدم، لیلیا (۱۳۸۵) میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار و همسران آنها در شهر گناباد، مجله افق دانش، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، ص ۴۵.

عباسی، رضوان (۱۳۹۵) بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و شادکامی در دانشجویان دانشگاه پیام نور، اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.

علیزاده، فاطمه (۱۳۹۲) مقایسه شوه‌های فرزند پروری و تنیدگی والدینی در والدین دانش‌آموزان.

فتحی، سروش (۱۳۹۴) شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان، مجله پژوهشی دینی، شماره ۳۰ ص ۳۴.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی.

گلدنبرگ، ایرنه (۱۳۹۲) خانواده درمانی، ترجمه سیامک نقش‌بندر، تهران، نشر روان.

گلادینگ، ساموتل (۱۳۸۶) خانواده درمانی، ترجمه فرشاد بهادری، تهران، نشر تزکیه.

گود، ویلیام جی (۱۹۹۵) خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مدیری، فاطمه، (۱۳۹۵) اشتغال زنان از زناشویی و گرایش به طلاق، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، شماره ۴، ص ۴۵۱.

مصلحی، جواد واحمدی، محمدرضا (۱۳۹۰) نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین، مجله روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۲، ص ۷۵.

- Amass, L. (2012), Predictors of internalizing and externalizing problems among children of cocaine and opine dependent parents. *Drug and alcohol dependence* 66(2),199-212
- Baumrind, D (1971). Child-care practices anteceding three patterns of preschool behavior, *Genetic Psychology Monographs*, 75, P. 43-88
- Deskovic, M., Wissink, I, B.&Meijer,A,M.(2004).The role of family and peer relations in adolescent antisocial behavior: comparison of four ethnic groups.
- French, K.L, 8 Buehler, C. (2007). A family Process MODLE OF Marital hostility. Parental depressive affect and early adolescent Problem behavior. The roles of triangulation and Parental warmth. *Journal of family Psychology*, 21(4) 614-625.
- Kaslow,F.w.(2001)«Families and Family psychology at the millennium: intersecting cross roads; *American psychologist* , vol.56.pp:37-45
- Lucia, V.C.&Breslau, N. (2006). family cohesion and children's behavior problems: A longitudinal investigation *psychiatry research*, 141(2), 141-149.
- Pieage s (2005) Adult attachment intimacy and psychological distress in a clinical and community sample *clinical psychology and psychotherapy* 12- 455 – 64.
- Richmond,M.K.,& Stocker, C.M.(2006),Associations Between family cohesion and Adolescent sibkings' Externalizing Behavior. *Journal of family psychology*. 20(4).663-669
- Zargar, F., & Neshatdoost, H.T. (2007). The study of effective factors the incidence of divorce in falavarjan city.*quarterly journal of family study*. Vol, 3. No, 11. Fall, pp 737-749. (Persian)
- Seydalinasab, E. (2002). The study of causes family dispute in between women of Damavand city. M.A.Thesis, Islamic Azad University, North Tehran. Social Science and Management College. (Persian)